

## شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد

مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر

علی یوسفی،\* سیدمهدی موسوی،\*\* آمنه سادات حسینی\*\*\*

### چکیده

شبکه‌های اجتماعی غیررسمی فرصتی برای تبادل اطلاعات و تصمیم‌گیری، و موقعیتی برای حمایت اجتماعی و اقتصادی از مهاجران فراهم می‌آورد. در این میان، پیوندهای فرد مهاجر با اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و همسایگان سهم بسزایی را به خود اختصاص می‌دهد. نتایج مطالعه ابعاد ساختاری، تعاملی و کارکردی شبکه‌های دوستی، خویشاوندی، همکاری و همسایگی ۱۰۰ خانوار برگزیده مهاجر افغان ساکن در شهرک گلشهر مشهد نشان می‌دهد این مهاجران بیشترین حمایت‌های مالی و عاطفی را از خویشاوندان خود دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، عضویت ۱۹ درصد از ایرانیان در شبکه اجتماعی مهاجران، تا اندازه‌ای بر پیوند آن‌ها با جامعه میزبان (ایران) دلالت دارد، اما تجمع مسکونی ۴۲ درصد از این مهاجران در شهرک گلشهر با ثبات مسکونی بالا (۲۴ سال)، نیز اقامت حدود ۹۰ درصد اعضای شبکه اجتماعی مهاجران در این نقطه و تداخل گسترده در بین خرده‌شبکه‌های آنان حاکی از شکل‌گیری کلنی مهاجران افغان در مشهد است. این تجمع از یک سو به حفظ و بازتولید خرده‌فرهنگ افغانی در مشهد و از سوی دیگر به تشدید جدایی‌گزینی فضایی مهاجر-میزبان انجامیده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه اجتماعی، مهاجران افغان، ساختار شبکه، کارکرد شبکه، تعامل شبکه، شهرک گلشهر.

---

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد [yousofi@um.ac.ir](mailto:yousofi@um.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد [mahdimosawi@gmail.com](mailto:mahdimosawi@gmail.com)

\*\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

---

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۲

مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۱۳-۲۳۹

دهه‌های متمادی است که رویکرد شبکه‌ اجتماعی<sup>۱</sup> ثمربخشی خود را در زمینه‌های گوناگون علوم اجتماعی به اثبات رسانده است، تا آنجا که بارگاتی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹: ۸۹۲) آن را به "معدن طلایی" تشبیه کرده‌اند که تبیین‌های ارزشمندی از پدیده‌های اجتماعی به دست داده است. از جمله حوزه‌هایی که در آن علاقه به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی رشد چشمگیری داشته، مطالعات مهاجرت است که به‌ویژه پس از دهه ۱۹۸۰ کارکرد این شبکه‌ها را در تسهیل و استمرار فرآیند مهاجرت بررسی کرده است (رایان، ۲۰۰۹: ۲۱؛ سوتر، ۲۰۱۲). این موضوع تا بدانجا اهمیت یافته که "آرانگو" از اهمیت اغراق‌آمیز شبکه‌های اجتماعی در فرآیند مهاجرت سخن به میان آورده است (۲۰۰۴ به نقل از نییل‌احمد، ۲۰۰۸: ۱۲۸). برخی دیگر از نظریه‌پردازان و محققان حوزه مهاجرت نیز ادعا کرده‌اند که مهاجرت می‌تواند فرآیندی از "ساختمان شبکه‌ای"<sup>۳</sup> مفهوم‌بندی شود که به آن وابسته است و روابط اجتماعی<sup>۴</sup> موجود در آن فضا را استحکام می‌بخشد (پرتس و بیچ،<sup>۵</sup> ۱۹۸۵؛ به نقل از ورتوس،<sup>۶</sup> ۲۰۰۹؛ فانر،<sup>۷</sup> ۲۰۰۱ به نقل از نییل‌احمد، همان). در این معنا شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فرآورده‌های اجتماعی ادراک می‌شوند که افراد ساکن و اجتماعات موجود در جوامع فرستنده و دریافت‌کننده را به یکدیگر متصل می‌کنند؛ اتصال مهمی که امکان تبیین دقیق‌تر وضعیت زندگی آن‌ها را فراهم می‌سازد، نظیر اینکه چگونه برخی نواحی باعث به‌وجود آمدن تعداد بی‌شماری مهاجر شده‌اند، در حالی که در نواحی مجاور آن‌ها چنین پدیده‌ای مشاهده نمی‌شود؛ نیز چگونه جریان‌های مهاجرت می‌تواند پایدار شود و مهاجران بالقوه را به مهاجران واقعی تبدیل کند (فیست، ۲۰۰۰؛ مسی و دیگران، ۱۹۸۷ به نقل از گزا، ۲۰۰۴: ۳).

افغانستان از جمله کشورهایی است که وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی و جنگ‌های طولانی آن را به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مهاجرفرست تبدیل کرده است. به گفته کریس جانسون (۲۰۰۴: ۶۶) «از زمان تجاوز شوروی، جنگ در افغانستان باعث شد که بیش از ۶ میلیون نفر از مردم، از طریق مرزها به ایران یا پاکستان بگریزند». بنا به گزارش‌های منتشر شده

<sup>1</sup> Social Network Perspective

<sup>2</sup> Borgatti, Stephen P.

<sup>3</sup> Network Building

<sup>4</sup> Social Relationship

<sup>5</sup> Portes, Alejandro and Bach, Robert

<sup>6</sup> Vertoves, Steven

<sup>7</sup> Foner

در سال ۲۰۰۴ تعداد مهاجران افغانی ساکن در شهرهای ایران بالغ بر ۱۰۰۹۳۵۴ نفر شامل ۱۹۰۷۶۵ خانوار و ۱۱۳۲۰۱ مجرد برآورد شده است. مهاجران مجرد عمدتاً در استان‌های تهران (۴۰ درصد)، اصفهان (۱۶ درصد)، فارس (۱۰ درصد)، سیستان و بلوچستان (۹ درصد)، قم (۸ درصد) کرمان (۶ درصد) و خراسان (۳ درصد) زندگی می‌کنند. البته در خصوص استان خراسان باید گفت که شهر مشهد در این استان به لحاظ تعداد خانوارهای مهاجر، مقام دوم را در کشور به خود اختصاص داده است (عباسی شوازی، ۲۰۰۵ الف: ۱۷). با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که این گروه اقلیت در انطباق کامل با جامعه مقصد با آن روبه‌رو است، شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌ها و صفات خاصی در تعاملات و پیوندهای اجتماعی این مهاجران شکل می‌گیرد که مطالعه علمی آن را ضروری می‌نماید. امری که در دیگر کشورها به‌ویژه در دهه اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است (برای نمونه ر.ک گزا، ۲۰۰۴؛ گارسیا، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، آثار اجتماعی و روانی ناشی از حضور گسترده مهاجران افغان در ایران، و به‌ویژه تجمع آن‌ها در شهر مشهد، این مسئله را از زوایای مختلف قابل طرح می‌نماید. با وجود این تحقیقات معدودی درباره وضعیت و آثار ناشی از حضور آن‌ها در ایران انجام گرفته و تنها در دهه اخیر، نظر محققان اجتماعی بیشتری به زندگی آنان معطوف گشته است. (برای نمونه ر.ک جمشیدی‌ها و علی‌بابایی، ۱۳۸۱؛ طاهره‌پور و همکاران، ۱۳۸۴؛ استراند و همکاران، ۲۰۰۴؛ رستمی‌باوی، ۲۰۰۷؛ صادقی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰).

از جمله مکان‌های تجمع مهاجران افغان در ایران، می‌توان از شهرک گلشهر مشهد نام برد؛ این شهرک در شمال شرق شهر مشهد واقع شده و منطقه‌ای حاشیه‌ای به حساب می‌آید. این منطقه در واقع یکی از نواحی عمده مسکونی برای مهاجران افغان است، به طوری که ایرانیان محلی اغلب آن را "کابل شهر" می‌خوانند. بنابر آمارها بین ۵۰ تا ۶۵ درصد جمعیت گلشهر، یعنی در حدود ۳۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر آن را مهاجران افغان تشکیل می‌دهند (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۸: ۷۸).

هدف نوشتار حاضر این است که با تکیه بر داده‌های موجود و نتایج حاصل از مطالعه‌ای پیمایشی، توصیفی واقع‌نگار از کم‌وکیف شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان ساکن شهرک گلشهر مشهد ارائه دهد.

## پیشینه تجربی

اگرچه تحقیقات معدودی در زمینه مهاجران افغان با در نظر داشتن جمعیت و مسائل اجتماعی متعددی که در جامعه ایران با آن مواجهند انجام نشده است، مرور همین تجارب اندک نیز، اگر با شبکه‌های اجتماعی این مهاجران ارتباط یابد، مفید و ضروری به نظر می‌رسد.

مجموعه تحقیقاتی که مؤسسه تحقیقات و ارزیابی افغانستان<sup>۱</sup> درباره شبکه‌های فراملی<sup>۲</sup> افغان‌ها و وجوه آن در زمینه ادغام مجدد و دوام‌دار این مهاجران انجام داده نشان می‌دهد که مهاجرت و شکل‌گیری شبکه‌های فراملی برای مردم افغانستان بخشی اساسی از استراتژی‌های معیشتی آن‌ها به شمار می‌آید. این مجموعه تحقیقات در قالب نه مطالعه موردی شامل سه مطالعه در کشور افغانستان (هرات، فاریاب، جلال‌آباد)، سه مطالعه در کشور ایران (تهران، مشهد، زاهدان) و سه مطالعه در کشور پاکستان (کراچی، پشاور، کوئته) در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۴ به انجام رسیده است. این مطالعات از سویی نشان‌دهنده اهمیت مقوله مهاجرت برای مردم افغانستان است و از سویی دیگر روشن می‌کند که مهاجرت در این منطقه را هم می‌توان پاسخی در برابر جنگ یا فقر و هم پدیده‌ای با قدمت بسیار و نوعی شیوه زندگی در نظر گرفت. در واقع، مهاجرت افغان‌ها قلمروی شریانی برای آن‌ها ایجاد کرده و بخش اعضای خانواده موجب برخورداری آن‌ها از مزایای فضایی و اقتصادی متنوعی در حوزه استراتژی‌های معیشتی شان و در نتیجه کاهش خطرهای مرتبط با ناامنی و فقر شده است. در اینجا وجود شبکه‌ای گسترده از روابط اجتماعی به منظور حمایت از تحرک جمعیتی و استراتژی‌های متنوع معیشتی حیاتی است. این شبکه گسترده تا بدانجا اهمیت می‌یابد که برخورداری از روابط اجتماعی ضعیف یا اندک (فقدان واسطه) فقر محسوب می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که فقدان واسطه، فرصت‌های معیشتی افغان‌ها را به شیوه‌های گوناگون محدود می‌کند و پیش از هر چیز، خانوارهای با منابع اجتماعی کمتر ممکن است به گونه‌ای نامناسب به مهاجرت سوق داده شوند (مونسوتی، ۲۰۰۶).

در تحقیقی که عباسی شوازی و گل‌زبروک (۲۰۰۶) درباره مهاجران افغان در سه شهر تهران، مشهد و زاهدان انجام داده‌اند به بررسی وضعیت زندگی و شیوه‌های معیشت جاری این مهاجران و فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با بازگشت آن‌ها به افغانستان پرداخته‌اند. این تحقیق

<sup>۱</sup> Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)

<sup>۲</sup> Transnational Network

نشان می‌دهد که بیشتر خانوارهای مهاجر ساکن ایران در شبکه‌هایی فراملی مشارکت کرده‌اند؛ شبکه‌هایی که پلی میان وطن این مهاجران - یعنی افغانستان - و ایران و پاکستان به‌عنوان جوامع میزبان است. تماس میان اعضای این شبکه در حالت اولیه به‌واسطه نامه و تلفن برقرار شده و تماس غیرمستقیم از طریق اطلاع‌یافتن از احوال خویشاوندان به‌واسطه آشنایانی میسر می‌شود که به افغانستان بازگشته‌اند یا از آن مسافرت می‌کنند. خانوارهای پاسخگو در این تحقیق ادعا کردند پول اندکی را از ایران به افغانستان می‌فرستند و تنها تعداد اندکی گفتند که به‌طور مرتب به کشورشان پول می‌فرستند؛ این پول صرف خویشاوندانی می‌شود که به افغانستان بازگشته و در کارهایی ناتوان بوده‌اند. این مهاجران جهت ازدواج و انتخاب همسر نیز از شبکه‌های فراملی خود بهره می‌گیرند؛ در این فرآیند زنانی که در افغانستان هستند به‌عنوان عروس برای مردان افغان ساکن ایران شناسایی شده‌اند و زنان افغان که در ایران ساکن هستند برای مردان افغان ساکن اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا گزینش می‌شوند. از طریق ترتیبات این ازدواج‌ها نیز حلقه‌هایی ایجاد می‌شود که جزئی پیوسته از استراتژی معیشتی خانواده عروس، هم در ایران و هم در افغانستان، به حساب می‌آید (عبّاسی شوازی و گل‌زبروک، ۲۰۰۶).

ایلکا استیگتر<sup>۱</sup> و الساندر مونسوتی (۲۰۰۵) در مقاله دیگری درباب شبکه‌های فراملی مهاجران افغان ساکن ایران بر اهمیت این شبکه‌ها در بازسازی کشور افغانستان تأکید می‌کنند. آنان نتیجه می‌گیرند که باید به مهاجرت به‌عنوان یک شیوه مثبت معیشت برای افغان‌ها نگریسته شود. آنان نشان می‌دهند که کارگران مهاجر فعالانه به معیشت خانواده و بازسازی کشورشان کمک می‌کنند و به‌طور کلی سیستم مهاجرت و انتقال پول برای شبکه‌هایی که از لحاظ جغرافیایی پراکنده‌اند زمینه حفظ روابط اجتماعی قوی را فراهم می‌سازد. شبکه‌های خویشاوندی و دوستی برای این مهاجران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه این شبکه‌ها مهاجران تازه‌وارد را حمایت می‌کنند. علاوه بر شبکه‌های خویشاوندان و همسایگان، هم‌خانه‌ای‌ها نیز، که همیشه از گروه قومی فرد مهاجر یا از محل اصلی سکونت او هستند، یک واحد به‌هم‌پیوسته را تشکیل می‌دهند و در کشوری که برای همه آن‌ها بیگانه است از یکدیگر حمایت می‌نمایند. بدین ترتیب این تحقیق نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی افغان‌ها در ایران به‌عنوان منابع همبستگی، قرض‌دهی، انتقال فرهنگ و رسوم ایرانی و ارتباط با بازار کار

<sup>۱</sup> Stigter, Elca

عمل می‌کنند و حمایت اجتماعی و معنوی را برای این مهاجران تأمین می‌کنند (استیگتر و مونسوتی، ۲۰۰۵).

در تحقیق دیگری که عباسی شوازی و همکارانش درخصوص بازگشت مهاجران افغان ساکن تهران به کشورشان انجام داده‌اند شبکه‌های اجتماعی مهاجران به سه دسته ایرانیان، بستگان و آشنایان افغان ساکن در ایران و اقوام و خانواده‌های مقیم افغانستان تقسیم شده است. از جمعیت نمونه تنها حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان مدعی شدند که ایرانیان را ملاقات می‌کنند. درباب شبکه‌های خویشاوندی حدود ۹۸ درصد از پاسخگویان افغان‌های خویشاوند و آشنا بودند که یکدیگر را از مبدأ، یعنی افغانستان، می‌شناختند. برخی پاسخ‌دهندگان نیز گفتند که روابط آن‌ها با اقوام و خانواده‌های افغان به گونه‌ای است که در غم و شادی یکدیگر شریک‌اند. از میان پاسخگویانی که خانواده یا اقوامی در افغانستان داشتند در حدود ۳۶ درصد با اقوامشان تماس تلفنی داشته و ۱۲ درصد نیز هیچ ارتباطی با خویشاوندان خود نداشته‌اند؛ در حدود ۹ درصد هم از طریق آشنایانی که بین ایران و افغانستان در رفت‌وآمد هستند از احوال خویشاوندانشان آگاه می‌شوند (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۵ ب).

مجموعه تحقیقات موردی که واحد تحقیقات و ارزیابی افغانستان در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۴ انجام داده است،<sup>۱</sup> بر استراتژی‌های معیشتی، شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، پیوند مهاجران با کشورشان افغانستان و پیوندهای فرامرزی آن‌ها تمرکز یافته است. در این تحقیقات شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در پاکستان، همراه با سابقه روابط خویشاوندی، قومی، مذهبی یا سیاسی، به عنوان شاخص‌های عمده در انتخاب محل زندگی برای آن‌ها توصیف شده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که روابط قومی برای اجتماعات افغان در داخل و خارج از کشور حیاتی است و بقای آن‌ها تا حد زیادی به این ارتباطات و پیوندها بستگی دارد. در واقع مهاجران از یک قوم و قبیله سعی می‌کنند در صورت امکان در کنار یکدیگر زندگی کنند و یکدیگر را به کار گمارند و با هم وصلت کنند (مجمع تحقیقات علوم اجتماعی، ۲۰۰۵<sup>۲</sup> الف، ب، ث ۲۰۰۶).

در تحقیقی درباره نسل دوم مهاجران افغان، که در کشورهای پاکستان و ایران زندگی می‌کنند و آن‌هایی که به افغانستان بازگشته‌اند، دغدغه این نسل از مهاجران ساکن در کشور

<sup>۱</sup> Case Study

<sup>۲</sup> Collective for Social Science Research

پاکستان در خصوص بازگشت به کشورشان بررسی شده است. در این تحقیق اهمیت شبکه خویشاوندی و خانوادگی از این جهت مطرح شده که احترام به بزرگان، در ساختار قدرت خانواده، روند اتخاذ تصمیم برای بازگشت را شکل می‌دهد، اما این سرپرستان مرد خانواده و پسران بزرگ هستند که تصمیم نهایی را درباره بازگشت می‌گیرند (سایتو و هانت، ۲۰۰۷).

به‌طور کلی، جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته درباره شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان نشان می‌دهد که تأکید عمده در بررسی‌های مزبور بر شبکه‌های فراملی این مهاجران و کارکردهای آن‌ها در امور معیشتی، حمایتی (اطلاعاتی، اقامتی و عاطفی در جامعه ایران یا پاکستان به‌عنوان جوامع میزبان)، کمک به روند بازسازی (از طریق مبادله و انتقال پول به کشور مبدأ یعنی افغانستان)، همسریابی و تشکیل خانواده (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۵؛ استیگر و مونسوتی، ۲۰۰۵؛ مونسوتی، ۲۰۰۶؛ عباسی شوازی و گلزابروک، ۲۰۰۶) و تقویت ارزش‌های مشترک قومی، مذهبی یا سیاسی (مجمع تحقیقات علوم اجتماعی، ۲۰۰۵؛ الف، ب، ث ۲۰۰۶) و تا حدی مردسالاری<sup>۱</sup> (در تصمیم‌گیری) (سایتو و هانت، ۲۰۰۷) بوده است. در اینجا باید توجه کرد که مطالعه شبکه‌های فراملی مهاجران تنها یک سطح از این مطالعات را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که راین (۲۰۰۹: ۲۲۱) اشاره می‌کند: «شبکه‌های اجتماعی در سطوح مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از شبکه‌های حمایتی که به‌صورت محلی تعبیه شده‌اند تا شبکه‌های خویشاوندی و حتی فراملی». از همین رو، مطالعه حاضر با درک این خلأ تلاش می‌کند بر شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در سطح محلی، یعنی جامعه میزبان، تأکید کند و خصوصیات آن‌ها را روشن سازد.

### شبکه‌های اجتماعی و مهاجرت

رویکرد شبکه اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که افراد نه به‌صورت تک‌افتاده که "تعبیه شده"<sup>۲</sup> در شبکه‌ای از روابط اجتماعی عمل می‌کنند (گرانووتر، ۱۹۸۵). تصمیم به مهاجرت نیز اغلب تحت تأثیر مشارکت در شبکه‌های اجتماعی قرار دارد که افراد را در محل‌های جغرافیایی متفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهد (فیزاکلی، ۱۹۹۹<sup>۳</sup>؛ به نقل از راین،

<sup>۱</sup> Mencracy

<sup>۲</sup> Embedded

<sup>۳</sup> Phizacklea, Annie

۲۰۰۹: ۲۲۰). شبکه مهاجرت را می‌توان ترکیبی از روابط بین اشخاص تعریف کرد که در آن مهاجران با خانواده یا دوستان خود در تعامل‌اند (هاگن، ۲۰۱۰: ۴). این شبکه‌ها در فهم الگوهای مهاجرت، استقرار، کارایی و ارتباط با وطن حیاتی هستند (تید، ۱۹۸۹: کاستلز و میلر، ۲۰۰۳ به نقل از راین، ۲۰۰۷: ۲۹۶). برای نمونه آن‌ها می‌توانند مهاجرت‌های زنجیره‌ای<sup>۱</sup> را در پی داشته باشند و فرآیند مهاجرت را تداوم بخشند (شا و منن، ۱۹۹۹). شبکه‌های غیررسمی<sup>۲</sup> به مهاجران در هزینه‌های سفر، یافتن شغل یا لوازم ضروری کمک می‌رسانند. آن‌ها مبنایی برای انتشار اطلاعات به منظور پشتیبانی یا کمک فراهم می‌کنند و فرآیند مهاجرت را به‌واسطه کاستن از هزینه‌ها و خطرات احتمالی جابه‌جایی آسان‌تر می‌سازند (هاگن، ۲۰۰۸: ۵۸۸) و سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup> اعضای شبکه محسوب می‌شوند (تیم، ۲۰۰۶: ۴). این کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی موجب شده محققان اجتماعی نقش این شبکه‌ها را در مراحل گوناگونی از فرآیند مهاجرت، شامل موارد زیر مورد تأکید قرار دهند:

تصمیم به مهاجرت

جهت‌یابی و تداوم جریان مهاجرت

ارتباط‌های فراملی

الگوهای استقرار و الحاق (هاگن، ۱۹۹۸: ۵۵).

صرف نظر از کارکردهای بیان‌شده، می‌توان ویژگی‌های این شبکه‌های اجتماعی را در قالب موارد زیر برشمرد:

خصوصیات ساختاری: <sup>۶</sup> اندازه، <sup>۷</sup> تراکم<sup>۸</sup>

خصوصیات تعاملی: <sup>۹</sup> فراوانی، <sup>۱۰</sup> صمیمیت، <sup>۱۱</sup> خدمات متقابل<sup>۱۲</sup> و طول رابطه<sup>۱۳</sup>

<sup>۱</sup> Chain migration

<sup>۲</sup> Informal network

<sup>۳</sup> Social capital

<sup>۴</sup> Thieme, Susan

<sup>۵</sup> Hagan, Jacqueline Maria

<sup>۶</sup> Structural characteristics

<sup>۷</sup> Size

<sup>۸</sup> Density

<sup>۹</sup> Interactional characteristics

<sup>۱۰</sup> Frequency

<sup>۱۱</sup> Intimacy

<sup>۱۲</sup> Reciprocity

<sup>۱۳</sup> Durability



خصوصیات کارکردی: <sup>۱</sup> انواع حمایت‌های اجتماعی (ایسرائیل و روندز، <sup>۲</sup> ۱۹۸۷؛ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱: ۶). در ادامه درباب هریک از سه خصوصیت مزبور توضیحاتی ارائه می‌گردد.

### خصوصیات ساختاری

اندازه، ترکیب و تنوع شبکه سه خصوصیت ساختاری مهم شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اندازه شبکه: شامل تعداد افرادی است که فرد به‌طور غیررسمی در شبکه روابط خود با آن‌ها در تعامل و ارتباط است (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۷۶). اندازه شبکه اغلب شاخصی از منابع اجتماعی <sup>۳</sup> است (باستانی، ۲۰۰۷: ۳۵۹).

ترکیب شبکه: <sup>۴</sup> ترکیب شبکه از طریق درصد روابط خاص درون شبکه تعیین می‌شود؛ درصد خویشاوندان، دوستان، همسایه‌ها و همکاران (باستانی، ۲۰۰۷: ۳۶۱). گفتنی است در ادبیات مهاجرت نیز شبکه‌ها در یک معنا به روابط شخصی مبتنی بر نسبت‌های خانوادگی، خویشاوندی، دوستی و اجتماع محلی <sup>۵</sup> اشاره دارد (بید، ۱۹۸۹: ۶۳۹). مطالعات گذشته نشان داده‌اند که خویشاوندی هنوز نقش مهمی در شبکه‌های شخصی بازی می‌کنند. ولمن و همکاران دریافتند که خویشاوندان حدود ۵۰ درصد اعضای صمیمی شبکه را شکل می‌دهند (باستانی، ۲۰۰۷: ۳۶۱). دوستان تمایل دارند در ویژگی‌ها و ارزش‌های شخصی‌شان مشابه اعضای شبکه باشند. دوستان به افرادی گفته می‌شود که مردم با آن‌ها احساس صمیمیت دارند و به یکدیگر توجه می‌کنند (لومینتز، ۱۹۷۷؛ شارما، ۱۹۸۶؛ اسپینوزا، ۱۹۹۲ به نقل از باستانی، ۲۰۰۱: ۱۹). همسایه‌ها یا مجاوران مسکونی و همکاران نیز بخش مهمی از شبکه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

تنوع شبکه: <sup>۶</sup> شامل افراد مختلفی است که شخص می‌تواند با آن‌ها در محیطی غیرشخصی ارتباط برقرار کند. بدین معنا که اعضای شبکه چقدر از لحاظ ویژگی‌هایی مانند سن، جنس،

<sup>۱</sup> Functional characteristics

<sup>۲</sup> Israel, B. & Rounds, K.

<sup>۳</sup> Social resources

<sup>۴</sup> Network Composition

<sup>۵</sup> Community

<sup>۶</sup> Diversity

ملیت، قومیت، مذهب و پایگاه اجتماعی-اقتصادی<sup>۱</sup> با یکدیگر مشابه یا متفاوت اند. شبکه متنوع دسترسی به اطلاعات و حمایت را از منابع چندگانه‌ای ممکن می‌سازد. برای نمونه تعداد زیادی از مطالعات را می‌توان یافت که بر تأثیر شبکه اجتماعی (به‌عنوان سرمایه یا منابع اجتماعی) بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی مهاجران تأکید داشته‌اند (کَمیل و همکاران، ۱۹۸۶؛ لین، ۱۹۹۹؛ کاظمی‌پور، ۲۰۰۴).

#### خصوصیات تعاملی شبکه

طول رابطه یا مدت آشنایی: گویای زمانی است که فرد با اعضای شبکه‌اش تماس داشته است (باستانی، ۲۰۰۱: ۱۳۰).

قوت پیوند: تمایل دیگران برای فراهم آوردن منابع برای خود عموماً با شدت روابط و قوت پیوندها یکسان انگاشته می‌شود. به عبارت دیگر، افرادی که قوت پیوند بیشتری دارند تمایل بیشتری برای کمک کردن به دیگر اعضا دارند. در تعاملات روزانه نیز تفاوت ادراکی از قوت روابط اجتماعی به واسطه برجسب‌های متفاوتی همانند "دوستان" یا "آشنایان"<sup>۲</sup> شاخص‌بندی می‌شوند. به‌طور معمول این قوت در قالب اصطلاحات "ضعیف"<sup>۳</sup> در برابر "قوی"<sup>۴</sup> بیان می‌شود (گرانوتر، ۱۹۷۳؛ به نقل از وندرگاگ، ۲۰۰۵: ۲۷-۲۶). پیوندهای قوی به روابط اجتماعی صمیمی و نزدیک اشاره دارند، درحالی‌که پیوندهای ضعیف دربرگیرنده روابط کوتاه‌مدت همراه با دوام، صمیمیت و خدمات متقابل کمتر نسبت به پیوندهای قوی است (فلپ، ۱۹۹۱: ۶۱۸۲؛ به نقل از وندرگاگ، ۲۰۰۵: ۲۸).

#### خصوصیات کارکردی شبکه

حمایت اجتماعی: شامل انواع متفاوت حمایت‌ها همچون حمایت مصاحبتی<sup>۵</sup>، حمایت عاطفی<sup>۶</sup>، حمایت خدماتی<sup>۷</sup>، حمایت مالی<sup>۸</sup>، حمایت اطلاعاتی<sup>۹</sup> و حمایت مشورتی<sup>۱۰</sup>

<sup>1</sup> Socioeconomic Status (SES)

<sup>2</sup> Acquaintances

<sup>3</sup> Weak

<sup>4</sup> Strong

<sup>5</sup> Companionship

<sup>6</sup> Emotional

<sup>7</sup> Services

<sup>8</sup> Financial

<sup>9</sup> Informational

<sup>10</sup> Advice

است (ولمن،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲: ۲۱۰). برخی تحقیقات مؤید حمایت و یاری خویشاوندان و اقوام، دوستان، همسایگان و همکاران از اعضای شبکه‌های شخصی خود بوده‌اند (کاترل، ۱۹۹۶؛ پسکوسلیدو و لوی، ۲۰۰۲).

چنانچه شبکه اجتماعی مهاجران افغان شامل مجموعه‌ای از افراد با تعامل نسبتاً پایدار در نظر گرفته شود، ابعاد سه‌گانه ساختاری، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی و اجزای تشکیل دهنده هر یک از سه بعد مذکور را می‌توان مطابق شکل ۱ ترسیم کرد.

شکل ۱. ابعاد و عناصر شبکه اجتماعی

مفهوم	ابعاد	عناصر
شبکه اجتماعی	ساختار شبکه	اندازه
		ترکیب
		تنوع
	تعاملات شبکه	طول رابطه
		قوت رابطه
	کارکرد شبکه	حمایت اجتماعی

#### روش تحقیق

داده‌های نوشتار حاضر برگرفته از دو مطالعه پیمایشی است: «اطلاعات جمعیتی و زمینه‌ای مهاجران افغان ساکن گلشهر»، از آرشیو داده‌های پیمایشی «سامانه اطلاعات اجتماعی شهرداری مشهد<sup>۲</sup> و «اطلاعات شبکه‌ای مهاجران» که از یک تحقیق پیمایشی در زمینه شبکه اجتماعی مهاجران افغان ساکن گلشهر اخذ شده است. در پیمایش اخیر، نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای متناسب با حجم بوده و برحسب آن اطلاعات شبکه‌های خویشاوندی، دوستی، همکاری و همسایگی ۱۰۰ خانوار مهاجر افغان جمع‌آوری شده است. واحد تحلیل شبکه اجتماعی، خانوار مهاجر افغان ساکن در شهرک گلشهر مشهد بوده و در هر خانوار با سرپرست یا همسر او به‌عنوان فرد جایگزین و مطلع از شبکه‌های سرپرست مصاحبه حضوری به عمل آمده است.

<sup>۱</sup> Wellman, Barry

<sup>۲</sup> سامانه اطلاعاتی مذکور با عنوان «سامانه اطلاعات اجتماعی مکانی شهر مشهد» به‌کوشش یوسفی برای معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد ایجاد و اطلاعات اولیه آن از طریق انجام یک پیمایش وسیع اجتماعی در نواحی چهل‌گانه مشهد در سال ۱۳۸۷ جمع‌آوری گردیده است. در پیمایش مذکور با ۲۶۷ نفر از سرپرستان خانوارهای افغان ساکن گلشهر مشهد نیز مصاحبه به عمل آمده است.

شبکه اجتماعی (شبکه خویشاوندی، دوستی، همکاری و همسایگی) فرد مهاجر (سرپرست خانوار) در سه بُعد ساختاری، رابطه‌ای و کارکردی مورد سنجش قرار گرفته است. در بُعد ساختی، اندازه شبکه برحسب تعداد افرادی محاسبه شده که فرد به‌طور غیررسمی در شبکه روابط خود با آن‌ها در ارتباط بوده است. ترکیب شبکه بر مبنای نسبت دوستان، همسایگان، خویشاوندان و همکاران و متغیر تنوع شبکه نیز برحسب ضریب تنوع پایگاهی برآورد شده است. بدین منظور، ابتدا سه متغیر منزلت شغلی<sup>۱</sup>، درآمد و تحصیلات سرپرست خانوار به یک مقیاس واحد تبدیل شده و سپس با هم ترکیب و به سه رتبه پایگاهی (پایین، بالا و متوسط) تبدیل شده‌اند. ضریب تنوع پایگاهی در شبکه نیز بر مبنای فرمول ضریب تغییرات کیفی<sup>۲</sup> مطابق فرمول ذیل محاسبه شده است (فرانکفورت ناچمیاس و لئون گوئرو، ۲۰۰۶: ۱۳۹؛ ویسبرد و بریت، ۲۰۰۷: ۹۲؛ هیلی و پروس، ۲۰۱۰: ۱۰۱):

$$IQV = \frac{K(N^2 - \sum f^2)}{N^2(K-1)}$$

اجزای این فرمول عبارت‌اند از:

$$K = \text{تعداد دسته‌ها}$$

$$N = \text{تعداد کل موارد}$$

$$\sum f^2 = \text{مجموع مربعات فراوانی‌ها}$$

دامنه نوسانات این ضریب بین صفر تا ۱ است؛ به‌طوری‌که اگر تمامی موارد<sup>۳</sup> توزیع در یک مقوله جای گیرند، تنوعی وجود ندارد و شاخص صفر است؛ متقابلاً چنانچه موارد در مقولات مختلفی قرار گیرند، بیشترین حد ناهمگونی خواهد بود (فرانکفورت ناچمیاس و لئون گوئرو، همان: ۱۳۸).

در بُعد رابطه‌ای شبکه نیز طول رابطه برحسب مدت زمان آشنایی فرد با اعضای شبکه و قوت رابطه برحسب فراوانی و شیوه تماس (تماس‌های رودررو یا تلفنی) فرد با دیگر اعضای شبکه برآورد شده است. در بُعد کارکردی شبکه نیز حمایت‌های دریافتی از سوی اعضای شبکه در قالب دو نوع حمایت عاطفی و مالی سنجیده شده است. برای ساخت هریک از

<sup>۱</sup> نمره منزلت شغلی سرپرست خانوار با استفاده از مقیاس منزلت شغلی تریمن کدگذاری شده است.

<sup>۲</sup> IQV

<sup>۳</sup> Cases

متغیرها (سابقه آشنایی، فراوانی رابطه، میزان صمیمیت، میزان حمایت مالی و عاطفی) در شبکه‌های جزء، معرف‌های مرتبط با هر کدام از این متغیرها با یکدیگر ترکیب شده و برای مقاصد توصیفی به سه رتبه تغییر کُد یافته است. متغیرهای مزبور برای شبکه کل نیز از ترکیب میانگین مربوط در شبکه‌های جزء به دست آمده است.

### یافته‌های تحقیق

#### ویژگی‌های جمعیتی مهاجران افغان مقیم شهرک گلشهر مشهد

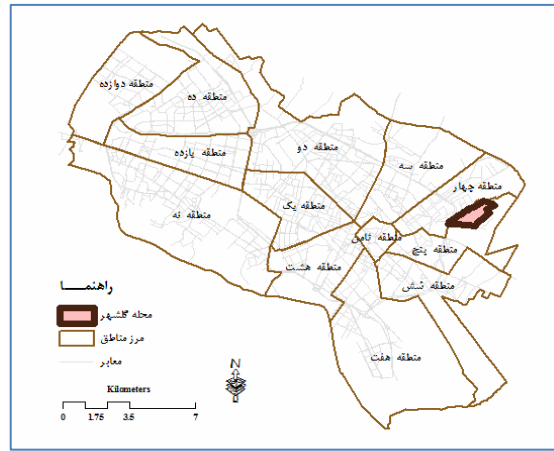
شهرک گلشهر در یکی از مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد (ناحیه ۳ از منطقه ۵) واقع شده است (شکل ۲). براساس آمار موجود در سامانه اطلاعات اجتماعی شهرداری مشهد، ۴۲ درصد از مهاجران افغان ساکن مشهد در شهرک گلشهر اقامت دارند. بنابر نتایج مطالعه حاضر، میانگین سابقه اقامت خانوارهای نمونه در شهرک گلشهر در ایران ۲۷ سال، در مشهد ۲۶ سال و در گلشهر ۲۴ سال است. ۹۶ درصد سرپرستان خانوار مهاجران شاغل و اکثر آن‌ها کارگران ساده‌اند.<sup>۱</sup> میانگین افراد تحت تکفل خانوار مهاجران ۵ نفر و درآمد سرانه ماهیانه خانوار به‌طور متوسط ۱۲۳۸۷۸ تومان است. ۱۷ درصد از سرپرستان خانوارهای مهاجران بی‌سواد هستند. در میان افراد تحصیل کرده، ۶۰/۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و تنها ۱/۳ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

از لحاظ وضعیت اقامت قانونی سرپرستان نیز ۵۵/۶ درصد دارای کارت اقامت، ۳۱/۳ درصد دارای برگه تردد و ۱۱/۱ درصد دارای گذرنامه هستند و فقط ۲ درصد اقامت غیرقانونی داشته‌اند. شاخص پایگاه اجتماعی-اقتصادی سرپرستان خانوار که برحسب شاخص وزنی درآمد، تحصیل و منزلت شغل آنان محاسبه شده است، نشان می‌دهد ۸۰/۲ درصد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، ۱۷/۷ درصد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط و تنها

<sup>۱</sup> ۳۴/۴ درصد از سرپرستان خانوارهای مهاجران کارگر ساده، ۹/۴ درصد خیاط، ۸/۳ درصد روحانی، ۷/۳ درصد دارای شغل آزاد، ۵/۲ درصد بنا، ۵/۲ درصد کارگر ساختمانی، ۴/۲ درصد گچ‌کار، ۳/۱ درصد مغازه‌دار، ۲/۱ درصد جوشکار و ۲/۱ درصد دیگر دست‌فروش است.

۲/۱ درصد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا هستند.<sup>۱</sup> از لحاظ مذهبی نیز قریب به اتفاق سرپرستان خانوارها، مسلمان شیعه مذهب و از لحاظ قومیت هزاره هستند.

شکل ۲. موقعیت شهرک گلشهر بر روی نقشه شهر مشهد



## ۱. خصوصیات ساختاری شبکه اجتماعی

### ۱.۱. اندازه شبکه

جدول ۱. اندازه شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (تعداد نفرات)								اندازه شبکه میانگین تعداد
	شبکه همکاری		شبکه خویشاوندی		شبکه همسایگی	شبکه دوستی			
گلشهر	مشهد	گلشهر	مشهد	گلشهر	مشهد	گلشهر	گلشهر	مشهد	
۳۵	۳۸	۵	۸	۱۱	۱۴	۷	۱۲	۱۷	

تعداد اعضای شبکه دوستی در شهر مشهد برای هر مهاجر افغان<sup>۲</sup> به طور متوسط ۱۷ نفر و در شهرک گلشهر ۱۲ نفر، تعداد اعضای شبکه خویشاوندی در مشهد ۱۴ نفر و در گلشهر ۱۱ نفر، تعداد اعضای شبکه همکاری در مشهد ۸ نفر و در گلشهر ۵ نفر و تعداد اعضای شبکه

<sup>۱</sup> نتایج به دست آمده درباره پایگاه اجتماعی-اقتصادی، صرفاً از وضعیت خانوارهای مهاجر افغان حکایت دارد و درباب اعضای جامعه میزبان صدق نمی کند.

<sup>۲</sup> منظور از مهاجر افغان، سرپرستان خانوار ساکن در شهرک گلشهر مشهد است که مورد مصاحبه قرار گرفته اند.

## شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد

همسایگی ۷ نفر است. تعداد اعضای شبکه اجتماعی هر مهاجر در مجموع در مشهد به طور متوسط ۳۸ نفر است که ۳۵ نفر آن‌ها در شهرک گلشهر ساکن‌اند.

### ۱.۲. ترکیب شبکه

جدول ۲. ترکیب شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

نسبت شبکه‌های اجتماعی جزء در شبکه کل						ترکیب شبکه
شبکه همکاری		شبکه خویشاوندی		شبکه همسایگی	شبکه دوستی	
گلشهر	مشهد	گلشهر	مشهد	گلشهر	مشهد	
۹/۸	۱۴/۶	۳۶/۱	۴۹/۶	۲۶/۵	۲۸/۲	۳۵/۹
میانگین نسبت						

از کل شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهر مشهد، به طور متوسط دوستان ۳۶ درصد، خویشاوندان ۵۰ درصد و همکاران ۱۴ درصد را تشکیل می‌دهند و از کل شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر به طور متوسط دوستان ۲۸ درصد، همسایه‌ها ۲۶ درصد، خویشاوندان ۳۶ درصد و همکاران ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، خویشاوندان سهم بیشتر و همکاران کمترین سهم را در ترکیب شبکه اجتماعی تشکیل می‌دهند.

### ۱.۳. تنوع شبکه

#### ۱.۳.۱. تنوع پایگاه اجتماعی-اقتصادی

جدول ۳. تنوع پایگاهی شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				پایگاه اجتماعی-اقتصادی
	همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۶۸/۱	۸۶/۴	۷۲/۷	۵۱/۹	۳۸	پایین
۲۶/۶	۱۱/۹	۲۱/۶	۳۹	۴۶/۷	متوسط
۵/۳	۱/۷	۵/۷	۹/۱	۱۵/۲	بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل
۰/۶۹	۰/۳۵	۰/۶۳	۰/۸۵	۰/۹۲	تنوع پایگاهی (IQV)

از لحاظ فراوانی عضویت در رتبه‌های سه‌گانه پایگاهی، در مجموع در شبکه همسایگی، خویشاوندی و همکاری مهاجران بیشترین فراوانی‌ها مربوط به پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین

و در شبکه دوستی بیشترین فراوانی‌ها مربوط به پایگاه متوسط است. در شبکه اجتماعی کل نیز بیشترین درصد به پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین (۶۸/۱ درصد) تعلق دارد. همان‌گونه که ضریب تنوع پایگاهی نشان می‌دهد، بیشترین ناهمگونی یا عدم تجانس پایگاهی به ترتیب به شبکه‌های دوستی (۰/۹۲) و همسایگی (۰/۸۵) و بیشترین همگونی به شبکه همکاری (۰/۳۵) اختصاص می‌یابد. در مجموع نیز این ضریب تنوع پایگاهی نسبتاً بالایی (۰/۶۹) را در شبکه اجتماعی کل نشان می‌دهد.

## ۲. خصوصیات تعاملی

### ۲.۱. مدت آشنایی

جدول ۴. مدت آشنایی در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				مدت آشنایی در شبکه
	همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۱۳	۳۷/۳	۳/۳	۵۶/۵	۱۷/۴	کمتر از ۵ سال
۳۳	۱۸/۶	۶/۷	۱۲/۹	۲۸/۳	۵ تا ۱۰ سال
۵۴	۴۴/۱	۹۰	۳۰/۶	۵۴/۳	۱۰ سال به بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

در حدود ۵۴/۳ درصد از مهاجران سرپرست خانوار، سابقه آشنایی با شبکه دوستی‌شان را ۱۰ سال و بیشتر دانسته‌اند. ۵۶/۵ درصد این مدت را برای شبکه همسایگی کمتر از پنج سال<sup>۱</sup> ذکر کرده‌اند و در حدود ۴۴/۱ درصد این سابقه را با همکاران در حدود ده سال به بالا عنوان نموده‌اند. مدت آشنایی با اعضای شبکه خویشاوندی در ۹۰ درصد پاسخگویان ده سال و بیشتر بوده است.<sup>۲</sup> در مجموع شبکه اجتماعی، ۵۴ درصد از مهاجران افغان بیش از ده سال با یکدیگر آشنایی داشته‌اند.

<sup>۱</sup> طول مدت شبکه همسایگی با طول مدت سکونت افراد مورد مصاحبه در شهرک گلشهر لزوماً مرتبط به نظر نمی‌رسد، چراکه در پاسخ به این سؤال که «چند وقت است همسایه‌تان را می‌شناسید؟» برخی پاسخ‌دهندگان اظهار کردند که با وجود سکونت چندین ماهه در محله مورد نظر، با همسایگان خود را نمی‌شناسند یا به‌تازگی با آن‌ها آشنا شده‌اند.

<sup>۲</sup> درباره طول مدت آشنایی با شبکه خویشاوندی باید این نکته را در نظر داشت که چون رابطه خویشاوندی اختیاری نبوده و طول مدت آشنایی در شبکه را زیاد نشان می‌دهد، غالباً طول مدت آشنایی با آن را از سایر شبکه‌های مورد بررسی جدا می‌کنند؛ با وجود این، از آنجاکه در مطالعه حاضر هم در مورد خویشاوندان درجه یک (اجباری) و هم درجه دو (داماد) (اختیاری) سؤال شده، این میزان نیز همراه با دیگر شبکه‌ها ذکر شده است.



## ۲.۲. قوت پیوند

قوت پیوند برحسب دوشاخخص فراوانی رابطه و شیوه تماس سنجیده شده است. در مورد اخیر، شیوه تماس حضوری در بین اعضای شبکه نشانه قوت پیوند تلقی شده است.

### ۲.۲.۱. فراوانی رابطه

جدول ۵. فراوانی رابطه در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				فراوانی رابطه در شبکه
	همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۷۰/۴	۶۷/۸	۷۶/۵	۷۶/۵	۶۳	تقریباً هر روز
۲۵/۵	۲۰/۳	۱۵/۳	۱۵/۳	۲۷/۲	حداقل یکبار در هفته
۴/۱	۱۱/۹	۸/۲	۸/۲	۹/۸	حداقل یکبار در ماه
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

۶۳ درصد از سرپرستان مهاجر تقریباً هر روز با اعضای شبکه دوستی خود ارتباط متقابل دارند، درحالی که این نسبت با شبکه همسایگی و خویشاوندی ۷۶/۵ درصد و با شبکه همکاری ۶۷/۸ درصد است. در کل نیز ۷۰/۴ درصد از اعضای شبکه اجتماعی مهاجران ساکن گلشهر تقریباً هر روز در ارتباط متقابل قرار دارند.

### ۲.۲.۲. شیوه تماس

جدول ۶. شیوه تماس در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				نوع رابطه در شبکه
همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۸۶/۴	۹۴/۴	۱۰۰	۹۰/۲	حضوری
۱۳/۶	۵/۶	۰	۹/۸	تلفنی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

در هر چهار شبکه دوستی، همسایگی، خویشاوندی و همکاری مهاجران افغان، وجه غالب رابطه حضوری است که دلالت بر قوت پیوند میان آنها دارد و بیشترین حد از ارتباط غیر حضوری به شبکه همکاری (۱۳/۶ درصد) اختصاص می یابد.

۳. خصوصیات کارکردی<sup>۱</sup>

## ۳.۱. حمایت عاطفی

جدول ۷. میزان حمایت عاطفی در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				میزان حمایت عاطفی در شبکه
	همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۳۴	۳۵/۶	۲۵/۶	۵۸/۸	۳۲/۷	کم
۳۴	۳۵/۶	۲۳/۳	۲۱/۲	۲۷/۲	متوسط
۳۲	۲۸/۸	۵۱/۱	۲۰	۴۰/۱	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

حدود ۴۰/۱ درصد از مهاجران میزان حمایت عاطفی شبکه‌های دوستی را زیاد دانسته‌اند. این میزان برای شبکه‌های همکاری به ۲۸/۸ درصد و برای شبکه‌های همسایگی به ۲۰ درصد می‌رسد. این درحالی است که در شبکه خویشاوندی این مقدار به ۵۱/۱ درصد رسیده است و این امر دلالت روشنی بر کانونی بودن شبکه خویشاوندی در حمایت عاطفی از اعضای شبکه دارد. در مجموع نیز ۳۲ درصد از اعضای شبکه اجتماعی مهاجران از حمایت بالای عاطفی شبکه برخوردارند.

## ۳.۲. حمایت مالی

جدول ۸. میزان حمایت مالی در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی کل	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				میزان حمایت مالی در شبکه
	همکاری	خویشاوندی	همسایگی	دوستی	
۳۲	۲۸/۸	۳۰	۶۱/۲	۳۱/۹	کم
۳۲	۲۷/۱	۱۴/۴	۱۲/۹	۱۹/۸	متوسط
۳۶	۴۴/۱	۵۵/۶	۲۵/۹	۴۸/۴	زیاد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع کل

از لحاظ حمایت مالی در شبکه‌های اجتماعی مهاجران، بیشترین حمایت به ترتیب مربوط به شبکه خویشاوندی (۵۵/۶ درصد)، شبکه دوستی (۴۸/۴ درصد) و سپس شبکه همکاری (۴۴/۱

<sup>۱</sup> با وجود انواع حمایت‌های مختلف ذکر شده (مصاحبتی، عاطفی، خدماتی، مالی، اطلاعاتی و مشورتی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های کارکردی شبکه، در مصاحبه‌های اکتشافی انجام‌شده با مهاجران افغان ساکن شهرک گلشهر مشهد، پیوسته بر اهمیت حمایت‌های عاطفی و مالی تأکید می‌شد، از همین رو در مطالعه حاضر نیز این دو نوع حمایت مورد توجه قرار گرفته است.

درصد) است. در مجموع شبکه اجتماعی نیز ۳۶ درصد اعضا تا حد زیاد از حمایت مالی شبکه خود برخوردارند.

#### ۴. تداخل شبکه‌های اجتماعی<sup>۱</sup>

جدول ۹. میزان تداخل شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه‌های اجتماعی	دوستی	خویشاوندی	همکاری	همسایگی
دوستی	-	۱۷/۴	۴۰/۲	۲۰/۷
خویشاوندی	۷۲/۲	-	۱۴/۴	۸/۹
همکاری	۸۸/۱	۴۰/۷	-	۶/۸
همسایگی	۶۱/۲	۳/۵	۷/۱	-

اگرچه در بین تمام شبکه‌های اجتماعی مهاجران تداخل وجود دارد، بیشترین تداخل (۸۸/۱ درصد) بین شبکه دوستی و همکاری مشاهده می‌شود. نتایج جدول ۱۰ حاکی از آن است که شبکه‌های مهاجران افغان در مشهد از نظر مکانی به هم نزدیک است و اکثر قاطع آن‌ها در یک مکان (گلشهر) سکونت دارند.

جدول ۱۰. محل سکونت اعضای شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

محل سکونت اعضای شبکه‌های اجتماعی	شبکه دوستی	شبکه همکاری	شبکه خویشاوندی
گلشهر	۸۷	۷۹/۷	۸۸/۹
سایر نقاط مشهد	۱۳	۲۰/۳	۱۱/۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

#### ۵. ویژگی‌های جمعیتی شبکه اجتماعی مهاجران افغان

جدول ۱۱. ملیت در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

ملیت	شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)			
	دوستی	همسایگی	همکاری	خویشاوندی
افغانی	۸۴/۸	۵۷/۶	۸۴/۷	۹۶/۷
ایرانی	۱۵/۲	۴۲/۴	۱۵/۳	۳/۳

در مجموع اکثر اعضای شبکه اجتماعی مهاجران (به‌طور متوسط در حدود ۸۰/۹ درصد) ملیت افغان دارند و فقط ۱۹ درصد آن‌ها ایرانی‌اند. در این میان شبکه همسایگی با ۴۲/۲ درصد

<sup>۱</sup> برای سنجش تداخل شبکه‌های مهاجران افغان با یکدیگر، برای مثال، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا با دوستان (دوست اول نامبرده و بعد دوست دوم و همین‌طور الی آخر) همکاری هستید؟ خویشاوند چطور؟ آیا او همسایه‌تان است؟ این سؤالات درباره هر کدام از شبکه‌های همکاری، خویشاوندی و همسایگی تکرار شد و نتایج در جدول مزبور در واقع درصد فراوانی معتبر پاسخی است که بر وجود تداخل صحه گذاشته‌اند.

بیشترین اعضای ایرانی و شبکه خویشاوندی کمترین سهم را از این اعضا (۳/۳ درصد) به خود اختصاص می دهند.

جدول ۱۲. سطح تحصیلات در شبکه اجتماعی مهاجران افغان در شهرک گلشهر مشهد (تعداد نمونه = ۱۰۰ خانوار)

شبکه اجتماعی جزء (درصد فراوانی معتبر)				سطح تحصیلات
خویشاوندی	همکاری	همسایگی	دوستی	
۱۹/۱	۸/۵	۲۰/۵	۱۰/۹	بیسواد
۴۱/۶	۳۵/۶	۳۸/۵	۳۲/۶	ابتدایی
۲۲/۵	۲۸/۸	۲۱/۸	۲۱/۷	راهنمایی
۱۱/۲	۱۳/۶	۱۴/۱	۲۱/۷	دیپلم
۵/۶	۱۳/۶	۵/۱	۱۳	دانشگاهی

در باره متغیر سطح تحصیلات، بیشترین فراوانیها (۴۱/۶ درصد) مربوط به سطح ابتدایی است. کمترین میزان را (۸/۵ درصد) بی سوادان و بیشترین میزان تحصیلات را دانشگاهیان (۱۳/۶ درصد) در شبکه همکاری به خود اختصاص داده اند.

### بحث و نتیجه گیری

در ادبیات جامعه شناسی مهاجرت، شبکه های اجتماعی غیر رسمی اهمیت دارند و عقیده بر این است که پیوندهای میان شخصی فرصت هایی را برای تبادل اطلاعات و تصمیم گیری و فرصتی را برای حمایت اجتماعی و اقتصادی از اعضای شبکه فراهم می آورد. در این میان، پیوندهای فردی میان اعضای شبکه های خویشاوندی، دوستی، همسایگی و همکاری سهم بسزایی دارد. تحقیق حاضر سعی کرده با تکیه بر ابعاد ساختاری، تعاملی و کارکردی شبکه های دوستی، خویشاوندی، همکاری و همسایگی ۱۰۰ خانوار برگزیده مهاجر افغان ساکن در شهرک گلشهر مشهد، تصویر روشنی از شبکه اجتماعی این مهاجران ترسیم کند. به علاوه، سعی کرده با تکیه بر داده های یک تحقیق پیمایشی در شهر مشهد، توصیفی واقع نگار از خصوصیات اجتماعی- جمعیتی خانوارهای مهاجر افغان در این شهرک ارائه نماید. نتایج تحقیق حاضر نشان داد ۴۲ درصد از مهاجران افغان شهر مشهد در شهرک گلشهر ساکن اند و میانگین مدت اقامت آنها در این شهرک ۲۴ سال است. این در حالی است که گلشهر (ناحیه ۳ از منطقه ۵) در ناحیه ای واقع شده است که در نظام سلسله مراتب منزلتی نواحی شهر مشهد، از نازل ترین رتبه منزلت مسکونی برخوردار است (یوسفی، ۱۳۸۸).

تقریباً تمامی جمعیت نمونه از قومیت هزاره و شیعه هستند.

۹۶ درصد از سرپرستان خانوارهای مهاجران شاغل اند و از میان شاغلان، فراوانترین نوع شغل با ۳۴/۴ درصد فراوانی مربوط به کارگران ساده است.

در مورد وضعیت قانونی اقامت سرپرست در ایران ۵۵/۶ درصد دارای کارت اقامت، ۳۱/۳ درصد دارای برگه تردد و ۱۱/۱ درصد دارای گذرنامه بوده‌اند و فقط ۲ درصد اقامت غیرقانونی داشته‌اند.

به لحاظ ساختار شبکه اجتماعی، خویشاوندان بیشترین درصد اعضای شبکه مهاجران را تشکیل می‌دهند. این خویشاوندان در شهرک گلشهر (۳۶/۵ درصد) و مشهد (در حدود ۵۰ درصد) ساکن‌اند. کمترین نسبت به شبکه همکاران به ترتیب با ۱۴/۶ درصد و ۹/۶۷ درصد اختصاص می‌یابد.

از لحاظ پایگاه اجتماعی-اقتصادی، حدود ۶۸/۱ درصد از اعضای شبکه اجتماعی مهاجران پایگاه پایین، ۲۶/۶ درصد متوسط و حدود ۵/۳ درصد نیز پایگاه اجتماعی بالا دارند. در عین حال، بیشترین تنوع پایگاهی مربوط به شبکه همسایگی و همکاری (۱/۱ درصد) بوده و شاخص تنوع پایگاهی در شبکه اجتماعی کل برابر با ۰/۶۹ است.

۴۲/۴ درصد از اعضای شبکه همسایگی مهاجران ایرانی بوده‌اند که بیشترین نسبت اعضای غیرافغان را در شبکه‌های مهاجران تشکیل می‌دهند. در شبکه کل اجتماعی مهاجران افغان نیز به طور متوسط ۸۱ درصد اعضا ملیت افغان دارند و ۱۹ درصد ایرانی‌اند.

به لحاظ خصوصیات رابطه‌ای شبکه اجتماعی، سابقه آشنایی حدود ۳۳ درصد از مهاجران افغانی با اعضای شبکه کل بین پنج تا ده سال و ۵۴ درصد نیز ده سال به بالا بوده است.

در هر چهار شبکه دوستی، همسایگی، خویشاوندی و همکاری، وجه غالب رابطه مهاجران حضوری و رودررو است.

مهاجران بیشترین حمایت‌های مالی (۵۵/۶ درصد) و عاطفی (۵۱/۱ درصد) را از خویشاوندان خود دریافت می‌کنند.

اگرچه در بین همه خرده‌شبکه‌های اجتماعی مهاجران تداخل وجود دارد، بیشترین تداخل میان شبکه‌های همکاری و دوستی و سپس خویشاوندی و همکاری دیده می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی مهاجران از نظر مکانی به یکدیگر نزدیک‌اند و اکثریت قاطع اعضای شبکه در یک مکان (گلشهر) سکونت دارند.

در جمع‌بندی کلی می‌توان به دو نتیجه عمده این نوشتار اشاره کرد:

نخست اینکه شبکه خویشاوندی نسبت به دیگر شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان گفت که نقش مهم‌تری در سازگاری آن‌ها با وضعیت جامعه میزبان ایفا می‌کند؛ به طوری که در موقعیت‌های دشوار بیشترین حمایت را برای اعضای شبکه فراهم می‌کند. الیزابت بات (۱۹۷۱: ۲۹۵) نیز بر اهمیت خویشاوندان در میان دیگر شبکه‌های اجتماعی از سه جهت تأکید می‌کند: اول آنکه اقوام و خویشان از آنجا که یکدیگر را می‌شناسند احتمالاً در ناحیه شبکه خویشاوندی پیوندهای نزدیک‌تری نسبت به سایر بخش‌ها برقرار می‌کنند. دوم، روابط با خویشاوندان نزدیک نسبتاً دائمی است و سوم، خویشان نقش مهم دوگانه‌ای به لحاظ حمایت و تقسیم ازدواج در خانواده‌ها در شبکه ایفا می‌کنند. نتایجی که در دیگر تحقیقات انجام شده درباره شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در ایران (استیگتر و مونسوتی، ۲۰۰۵؛ عباسی شوازی و گلازبروک، ۲۰۰۶) نیز تأیید شده است.

عضویت ۱۹ درصد از ایرانیان در شبکه اجتماعی مهاجران افغان تا اندازه‌ای بر پیوند مهاجران با جامعه میزبان (ایران) دلالت دارد، اما تجمع مسکونی ۴۲ درصد از مهاجران افغان در یک نقطه شهری مشهد (گلشهر) باثبات بالای مسکونی (۲۴ سال)، اقامت حدود ۹۰ درصد اعضای شبکه اجتماعی مهاجران در این نقطه و تداخل گسترده در میان خرده‌شبکه‌های این مهاجران به معنای شکل‌گیری کلنی<sup>۱</sup> مهاجران افغان در مشهد است. این تجمع از یک سو باعث حفظ و بازتولید خرده‌فرهنگ افغان در شهر مشهد می‌شود و از سوی دیگر به تشدید بیشتر جدایی‌گزینی اجتماعی<sup>۲</sup> و فاصله اجتماعی مهاجر-میزبان می‌انجامد؛ به‌ویژه با در نظر داشتن این نکته که این کلنی (گلشهر) از پایین‌ترین سطح منزلت مسکونی در نظام سلسله‌مراتب منزلت نواحی شهر مشهد نیز برخوردار است.

### منابع

باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی، ۳۰: ۹۵-۶۳.

<sup>۱</sup> Colony

<sup>۲</sup> Social segregation

- جمشیدی‌ها، غلامرضا و یحیی‌علی‌بابایی (۱۳۸۱) «بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجران افغان با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد»، *نامه علوم اجتماعی*، ۲۰: ۷۱-۹۰.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸) «ویژگی‌های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سرشماری ۱۳۸۵»، *بررسی‌های آمار رسمی ایران*، ۲۰ (۱): ۴۱-۷۳.
- صادقی، رسول (۱۳۹۰) «سازگاری اجتماعی- جمعیتی نسل دوم افغان‌ها در ایران»، *کتاب ماه علوم اجتماعی و ویژه جمعیت‌شناسی*، ۱۵ (۴۳ و ۴۲): ۱۰۳-۱۰۱.
- طاهرپور، فیروزه، رضا زمانی و نیک‌چهره محسنی (۱۳۸۴) «مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی و انگیزشی پیشداوری نسبت به مهاجران افغان»، *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۶: ۲۹-۹.
- یوسفی، علی (۱۳۸۸) «تأملی بر مرزبندی اجتماعی فضای شهری مشهد: طبقه‌بندی منزلتی نواحی شهر مشهد»، *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، سال ششم، ۲: ۹۱-۶۱.
- Abbasi\_Shavazi, Mohammad Jalal and Diana Glazebrook (2006) *Continued Protection, Sustainable Reintegration: Afghan Refugees and Migrants in Iran*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Abbasi\_Shavazi, Mohammad Jalal, Diana Glazebrook, GholamReza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi (2008) *Second Generation Afghans in Iran: Integration Identity and Return*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Abbasi\_Shavazi, Mohammad Jalal, Diana Glazebrook, GholamReza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi (2005 a) *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad Islamic Republic of Iran*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Abbasi\_Shavazi, Mohammad Jalal, Diana Glazebrook, GholamReza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian and Rasoul Sadeghi (2005 b) *Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Tehran Islamic Republic of Iran*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Ahmad, Ali Nobil (2008) "The Romantic Appeal of Illegal Migration: Gender, Masculinity and Human Smuggling from Pakistan", in M. Schrover, J. V. D. leun, L. Lucassen and C. Quispel (Eds), *Illegal Migration and Gender in a Global and*

- Historical Perspective*, Amsterdam: Amsterdam University Press: 127-146.
- Bastani, Susan (2001) *Middle Class Community in Tehran: Social Networks, Social Support and Marital Relationships*, Toronto: University of Toronto, A thesis for the degree of Doctor of Philosophy.
- Bastani, Susan (2007) "Family Comes First: Men's and Women's Personal Networks in Tehran", *Social Networks*, 29 (3): 357-374.
- Borgatti, Stephen P., Ajay Mehra, Daniel J. Brass and Giuseppe Labianca (2009) "Network Analysis in the Social Sciences", *Science*, 323: 892-93.
- Bott, Elizabeth (1971) *Family and Social Network Roles, Norms, and External Relationships in Ordinary Urban Families*, London: Tavistock Publications.
- Boyd, Monica (1989) "Family and Personal Networks in International Migration: Recent Developments and New Agendas", *International Migration Review*, 23 (3): 638-670.
- Campbell, Karen E., Peter V. Marsden, and Jeanne S. Hurlbert (1986) "Social Resources and Socioeconomic Status", *Social Networks*, 8 (1): 97-117.
- Collective for Social Science Research (2005) *Afghans in Karachi: (Migration, Settlement and Social Networks)*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Collective for Social Science Research (2006 a) *Afghans in Peshawar (Migration, Settlements and Social Networks)*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Collective for Social Science Research (2006 b) *Afghans in Quetta (Settlements, Livelihoods, Support Networks and Cross-Border Linkages)*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Collective for Social Science Research (2006 c) *Afghans in Pakistan: Broadening the Focus*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Cotterell, John (1996) *Social Networks and Social Influences in Adolescence*, London: Rutledge.



- Frankfort-Nachmias, Chava and Anna Leon-Guerrero (2006) *Social Statistics for a Diverse Society*, California: Pine Forge Press A Sage Publications Company.
- Garcia, Carlos (2005) "Buscando Trabajo: Social Networking among Immigrants from Mexico to the United States", *Hispanic Journal of the Behavioral Sciences*, 27(1): 3-22.
- Goza, Franklin (2004) *Immigrant Social Networks: The Brazilian Case*, Paper presented at the Annual Meeting of the American Sociological Association, Hilton San Francisco & Renaissance Parc 55 Hotel, San Francisco, CA, <Not Available>.2009-05-26.
- Granovetter, Mark (1985) "Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness", *American Journal of Sociology*, 91 (3): 481-510.
- Hagan, Jacqueline Maria (1998) "Social Networks, Gender, and Immigrant Incorporation: Resources and Constraints", *American Sociological Review*, 63(1): 55-67.
- Haug, Sonja (2008) "Migration Networks and Migration Decision-Making", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 34 (4): 585-605.
- Haug, Sonja (2010) "Migration and Return Migration: the Case of Italian Migrants in Germany", Paper presented at the Labour Migration and Transnationalism in Europe – Contemporary and Historical Perspectives Workshop, Regensburg: Südost-Institut, Retrieved from [http://fpsoe.de/uploads/media/Paper\\_Haug\\_fpsoe.pdf](http://fpsoe.de/uploads/media/Paper_Haug_fpsoe.pdf), [Accessed Date 03 04 2012].
- Healey, Joseph F. and Steven G. Prus, (2010) "*Statistics: A Tool for Social Research*", Canada:Nelson Education. [http://www.allacademic.com/meta/p111245\\_index.html](http://www.allacademic.com/meta/p111245_index.html), [Accessed Date 05 05 2012].
- Johnson, Chris (2004) *Afghanistan*, UK: Oxfam GB.
- Kazemipur, Abdolmohammad (2004) "*Social Capital of Immigrants in Canada*", (Working Paper Series No. WP04-04), Alberta: Prairie Centre of Excellence for Research on Immigration and Integration, Retrieved from <http://ecastill.scripts.mit.edu/docs/socialcapital.pdf>, [Accessed Date 05 05 2012].
- Lin, Nan (1999), "Social Network and Status Attainment", *Annual Review of Sociology*, 25 (1): 467-487.

- Monsutti, Alessandro (2006) *Afghan Transnational Networks: Looking Beyond Repatriation*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Ness, Immanuel (2005) *Immigrants, Unions, and the New U.S. Labor Market*, Philadelphia: Temple University Press.
- Pescosolido, Bernice A. and Judith A. Levy (2002) "The Role of Social Networks in Health, Illness, Disease and Healing: The Accepting Present, the Forgotten Past, and the Dangerous Potential for a Complacent Future", in B. Katz Rothman (Ed.), *Advances in Medical Sociology*, Emerald Group Publishing Limited, 8: 3-25.
- Rostami-Povey, Elaheh (2007) "Afghan Refugees in Iran, Pakistan, the U.K., and the U.S. and Life after Return: A Comparative Gender Analysis", *Iranian Studies*, 40 (2): 241-261.
- Ryan, Louise (2007) "Migrant Women, Social Networks and Motherhood: The Experiences of Irish Nurses in Britain", *Sociology*, 41(2): 295-312.
- Ryan, Louise (2009) "How Women Use Family Networks to Facilitate Migration: A Comparative Study of Irish and Polish Women in Britain", *History of the Family*, 14 (2): 217-231.
- Saito, Mamiko and Hunte Pamela (2007) *To Return or to Remain: The Dilemma of Second-Generation Afghans in Pakistan*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Shah, Nasra M., and Indu Menon (1999) "Chain Migration through the Social Network: Experience of Labour Migrants in Kuwait", *International Migration*, 37 (2): 361-382.
- Stigter, Elca and Alessandro Monsutti (2005) *Transnational Networks: Recognising a Regional Reality*, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Strand, Arne, Astri Suhrke and Kristian Berg Harpviken (2004) "Afghan Refugees in Iran: From Refugee Emergency to Migration Management", CMI Policy Brief, : CMI/PRIO, Retrieved from <http://www.cmi.no/afghanistan/peacebuilding/docs/CMI-PRIO-AfghanRefugeesInIran.pdf>, [Accessed Date 08 07 2012].
- Suter, Brigitte (2012) "Social Networks in Transit: Experiences of Nigerian Migrants in Istanbul", *Journal of Immigrant & Refugee Studies*, 10 (2): 204-222.

- Thieme, Susan (2006) “*Social Networks and Migration: Far West Nepalese Labour Migrants in Delhi*”, Münster: LIT.
- Van Der Gaag, Martin (2005) *Measurement of Individual Social Capital* , Amsterdam: Netherlands Organization for Scientific Research (NWO).
- Vertovec, Steven (2009) *Transnationalism*, London and New York: Routledge.
- Weisburd, David and Chester Britt (2007) *Statistics in Criminal Justice*, New York: Springer Science+Business Media.
- Wellman, Barry (1992) “Which Types of Ties and Networks Provide What Kinds of Social Support?” in Edward J. Lawler, Barry Mankovsky, Cecilia Ridgeway and Henry A. Walker (Eds.), *Advances in Group Processes*, Greenwich: JAI Press, 9: 207\_235.